

پیشگفتار

شرایط برای ایجاد حزب کمونیست هر روز بهتر میشود. حزبی که بتواند:

1 – پرولتاریا و توده های خلق را علیه رژیم شاه که نماینده امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکرات است رهبری کرده، انقلاب دمکراتیک نوین را به پیرانجام رساند و جامعه را بسوی سوسیالیسم رهنمون گردد.

2 – درر عمل با فشاری روی جهانبینی ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی وبا موضع، نقطه نظر و اسلوب مارکسیستی – لنینیستی، به تحقق و بررسی و مطالعه عمیق وضع طبقات مختلف از لحاظ اقتصادی-سیاسی در جامعه ایران بپردازد، مناسبات آنها را با یکدیگر معین کند، به تحلیل مشخص از وضع دوستان و دشمنان دست زند، با برخوردی علمی تجارب مثبت و منفی تاریخی را جمعبندی کند و بر اساس آنها مشی سیاسی و رهنمودهای مشخص برای پیشبرد انقلاب ایران ارائه دهد.

3 – با انتقاد و طرد رویزیونیسم و اپورتونیسم حزب توده ایران بطور قطع از لحاظ ایده ئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و سبک کار از آن ببرد و پرچم پرافتخار سرخ انقلاب قهرآمیز جنبش کمونیستی و انقلابی ایران را بار دیگر برافراشته نگهدارد.

5 – با توده ها پیوند فشرده برقرار ساخته و با اجرای مشی توده ای روی سیاست اتکاء به نیروی خود در کلیه زمینه ها پافشاری نماید.

6 – سرشار از روحیه کمونیستی انتقاد و انتقاد از خود بوده و در نصیح اشتباحات و آموختن از دیگران نمونه باشد.

چنین است خصوصیات اساسی حزبی که مارکسیست-لنینیستها باید تدریجاً بسازند و انقلاب ایران بیش از هر موقع دیگر با توجه به رشد مبارزات خلق در سالهای اخیر بدان محتاج است.

از کودتای امپریالیستی 28 مرداد 1332 و برانداختن حکومت ملی دکتر مصدق نزدیک دودهه میگذرد. در این مدت در سطح ملی و جهانی تحولات و تغییرات بزرگی صورت گرفته و اوضاع باز هم بیشتر بسود انقلاب پیشرفته است. در سطح ملی بر اثر توسعه ی وابسته و همچنین و رشد نسبی و معین سرمایه داری ملی، لشکر پرولتاریا این انقلابی ترین طبقه ی جامعه باز هم بیشتر توسعه یافته و به نیروی عظیمی تبدیل گردیده است. پرولتاریای ایران دارای 60 سال تجربه مبارزه قهرمانانه است و دارای رشد سیاسی میباشد. در دوران ما تنها این طبقه است که میتواند انقلاب را به پیروزی برساند. دهقانان به مثابه اکثریت عظیم خلق و متحد کاملاً مطمئن پرولتاریا، و بیشتر و بیشتر به صحنه مبارزات طبقاتی کشیده شده و میروند تا تحت رهبری پرولتاریا نقش موثر و تعیین کننده خود را در مرحله کنونی انقلاب که همسان انقلاب دمکراتیک نوین است ایفا کنند. "اصلاحات ارضی" رژیم که هدفش دور ساختن دهقانان از انقلاب بوده و هست، باعث تمایز طبقاتی، رشد تضاد در روستاهای ایران گردیده است. این "اصلاحات" به هیچوجه نتوانسته نظام ارباب- رعیتی را در روستا های ایران براندازد. کارگران کشاورزی، دهقانان بی زمین و کم زمین که نیروی بزرگی را تشکیل میدهند هر روز در عمل به پوچ بودن "اصلاحات ارضی" شاه پی میبرند.

خرده بورژوازی شهری هم در دو دهه اخیر در حال توسعه بوده است. روشنفکران کههه اکثریت عظیم آنه از طبقات متوسط و پائین جامعه ما برمیخیزند تعدادشان هر روز رو به فزونی است. اکنون بخوبی میتوان دید که یک نیروی دیگر مرکب از روشنفکران انقلابی و دمکرات که خواهان استقلال، دمکراسی و پیشرفت جامعه ی ما میباشدند و متحد پرولتاریا هستند، در حال شکلگیری و بسط و توسعه است.

بورژوازی متوسط ایران در عین اینکه تعدادی از فوقانی ترین عناصر آن دائماً به بورژوازی کمپرادور میپیوندند، در مجموع بورژوازی ملی کشور ما را تشکیل میدهد که از سلطه‌ی امپریالیسم و انحصارات امپریالیستی ناراضی بوده و به عنوان یک نیروی ضد امپریالیستی و دمکراتیک تا حد معین و زمان معینی، جبهه انقلاب و مبارزات خلق را، یاری میدهد.

در جبهه دشمن از یکسو بر اثر هجوم سرمایه داری امپریالیستی و سوسیال-امپریالیستی که هرروز دامنه آن وسیعتر میگردد، سرمایه داری وابسته در ایران در دو دهه اخیر توانسته است رشد سریع بنماید و بدین ترتیب ضربه دیگری به اقتصاد فنودالی ایران وارد سازد و تولید کالائی را رواج دهد. از سوی دیگر امپریالیستها هنگامیکه مبارزات دهقانان در حال رشد و توسعه علیه فنودالیسم بود برای نجات آن، با راه انداختن "اصلاحات ارضی" مذبحخانه کوشیدند تا از برخاستن جنبش انقلابی دهقانان جلو گیرند. این از ماهیت دوگانه آنها ناشی میشود. از یکسو آنها تولید کالائی وابسته را توسعه میدهند و از سوی دیگر از نابودی نظام ارباب-رعیتی جلو میگیرند. میان طبقات حاکم تضاد اساسی موجود نیست. ستون فقرات سرمایه داری کمپرادوری ایران را چه در بخش بوروکراتیک دولتی و چه در بخش خصوصی (از لحاظ سرمایه گذاری و مدیریت) خانواده های بزرگ فنودال تشکیل میدهند. خویشاوندی این دو طبقه چنان محکم و دارای پایه اقتصادی-سیاسی-اجتماعی و تاریخی است که هیچ نیروی جز نیروی عظیم دهقانان تحت رهبری پرولتاریا نمیتواند آنرا نابود سازد. رژیم حاکم ایران کما فی السابق نماینده امپریالیسم-فنودالیسم و سرمایه داری بوروکرات بوده و بر انداختن آن در دستور مرحله کنونی انقلاب ایران قرار دارد.

همراه این تغییرات عینی، شرایط ذهنی انقلاب نیز در دهه اخیر رشد کرده است. رفرمیسم و رویزیونیسم حزب توده ایران باز هم بیشتر مورد انتقاد قرار گرفته و با رشد جمیلهای توده ای در سالهای اخیر ما شاهد بوجود آمدن، رشد و توسعه هسته ها و تلفیق آن بشرایط مشخص ایران بوده ایم.

در مجموع میتوان گفت در این دو دهه نیروهای انقلاب و دمکراسی در برابر رژیم دسیت نشانده سرسختانه سرسختانه مقاومت کرده و در سالهای اخیر در حال متشکل شدن و رشد و توسعه بوده اند.

در سطح جهانی بر اثر رشد بی سابقه جمیلهای ضد امپریالیستی توده ای و بویژه بر اثر بسط و توسعه جنگ توده ای در جنوب شرقی آسیا که خلق قهرمان ویتنام در پیشاپیش آن قرار دارد، ضربات مهلکی به امپریالیسم آمریکا وارد شده و هیئت حاکمه آمریکا با مشکلات و بحرانهای بزرگ داخلی و خارجی روبرو گردیده است. با پیروزی انقلاب عظیم فرهنگی پرولتری چین و رشد و توسعه روز افزون جنبش مارکسیستی-لنینیستی در سراسر جهان، رویزیونیسم جدید هرروز بیشتر مورد انتقاد و طرد قرار میگیرد. سوسیال امپریالیسم شوروی در عمل بطور روزافزونی افشا شده و منفرد میگردد. با اینکه خطر جنگ جهانی از طرف امپریالیستها و سوسیال-امپریالیستها هنوز موجود است ولی به گفته رفیق مائوتسه دون "گرایش عمده را در جهان انقلاب تشکیل میدهد".

در چنین اوضاع خوبی است که مارکسیست-لنینیستهای ایران دست اندر کار ایجاد حزب کمونیست ایران هستند. آنها مطمئناً با در پیش گرفتن خط مشی صحیح قادرند قدم بقدم از نیروی ضعیف به نیروی قوی، از کوچک به بزرگ تبدیل شده و مشکلات زیادی را که در راه پیروزی انقلاب موجود است یکی پس از دیگری از جلو بردارند.

تجربه تاریخی و حقیقت عام مارکسیست-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون بما این درس را میدهد که بدون یک حزب واقعاً انقلابی نمیتوان از عهده بسیج و متشکل ساختن توده های میلیونی برآمد، آنها را در مبارزه طبقاتی و ملی بدرستی رهبری نمود و پیروزی را بدست آورد. به معنی ویژه ای میتوان گفت در این اوضاع خوب داخلی و جهانی اگر این باریکه ها، جویبارها و رودخانه های مبارزات توده ای در میهن ما به دریا تبدیل نمیشوند و از آن موجهای عظیم دریائی بر نمیخیزد تا بساط ظلم، استثمار و ستم را از میهن ما برچیند و شاه و شاهنشاهی را برای ابد دفن نماید بدان علت است که خلق ما مرکز رهبری کننده خود را از دست داده و هنوز هم نتوانسته است بار دیگر آنرا بوجود آورد از اینجاست که مارکسیست-لنینیستها ایجاد یک حزب واقعاً انقلابی را وظیفه مرکزی خود قرار داده اند. اما تجربه نشان میدهد که تعیین وظیفه بخودی

خود کافی نیست، ما باید مسأله چگونگی انجام این وظیفه را هم بخوبی حل نماییم مبارزه کنونی در جنبش مارکسیستی-لنینیستی در حقیقت بر سر روشن ساختن این وظیفه (از لحاظ کیفی و کمی) و چگونگی یا اسلوب انجام آن است.

سازمان ما از آغاز تأسیس در این مبارزه و راه یابی شرکت کرده و تا حد امکان خود در پی انجام وظیفه مرکزی حرکت کرده است. نوشته کنونی هم کوششی است در این راه.

طبق تجربه چندین ساله سازمان در مبارزه علیه نظریه های نادرست در این زمینه و کوشش بخاطر ایجاد حزب کمونیست و طبق درک ما علت وجود اختلاف نظر ها، بینش های متفاوت درباره مسأله ایجاد حزب، را باید در عدم وجود شناخت صحیح و داشتن درک متفاوت از مارکسیست-لنینیست-اندیشه مائوتسه دون در رابطه با تجارب گذشته جنبش و وضع بغرنج مبارزه طبقاتی خوددر جامعه خود جستجو کرد.

بعبارت دیگر برای اینکه بتوانیم به بینش مشترک در باره حزبی که میخواهیم و چگونگی ایجاد آن برسیم باید با پافشاری روی حقیقت عام مارکسیست-لنینیست-اندیشه مائوتسه دون، تجارب مثبت و منفی جنبش انقلابی میهن خود را خوب جمع بندی کنیم و در عین حال به تحلیل اوضاع مشخص جنبش پرداخته و شناخت از اوضاع کنونی بدست آوریم. تنها از این طریق است که میشود زمینه را برای وحدت مکارکسیست-لنینیستها و ایجاد حزب کمونیست بر اساس یک مثنی سیاسی مطابق با واقعیت کنونی جامعه ایران بوجود آورد. این همان چیز است که ما از تلفیق مارکسیست-لنینیست-اندیشه مائوتسه دون به شرایط مشخص میفهمیم و معتقدیم حزب کمونیست هم در این پروسه باید بوجود آید. روشن است که امرک تلفیق مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون به شرایط مشخص امریست دائمی. تأکید ما روی این مسأله قیل از ایجاد حزب بخاطر این است که تجربه بما نشان میدهد تنها روی تئوری عام نمیتوان وحدت میان مارکسیست-لنینیسته بوجود آورد. شرط ضروری برای ایجاد وحدت داشتن حد اقل تحلیل مشخص مشترک از اوضاع کنونی و جمع بندی از خطوط کلی در گذشته جنبش است.

سازمان ما در این دو زمینه یعنی شناخت اوضاع مشخص کنونی جامعه ایران و جمع بندی از تجارب مثبت و منفی گذشته با توجه به امکانات و توانائیش کار میکند. نوشته حاضر هم هدفی جز خدمت به این امر نداشته و ندارد. ما این کار را هر چقدر هم کوچک باشد، جزئی از تدارک ایده نولوژیک و سیاسی، برای ایجاد حزب کمونیست میدانیم.

به تجارب تاریخی توجه کنیم

جنبش کارگری و کمونیستی ما دارای بیش از 60 سال تاریخ است. در این تاریخ تجارب مثبت و منفی فراوانند. آیا میشود آنها را نادیده گرفت و نیاموخت؟ اصولاً چگونه میتوان درسهای تاریخ را که در زمان حال جنبه عملی مهمی دارند از این موضوع **گرفت**. که کمونیستها برای ایجاد حزب کمونیست ایران در نیم قرن پیش برای مدت طولانی از لحاظ ایده نولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی تدارک دیدند در حالیکه رهبران حزب توده برای ایجاد حزب توده چنین تدارکی را ندیدند؟ چگونه میتوان به این نتیجه رسید که حزب توده ایران در گذشته رفرمیستی بوده و یا مارکسیستی-لنینیستی؟ آیا این مسائل که چرا حزب توده ایران نخواست و یا نتوانست انقلاب کند، دهقانان را بسیج و متشکل سازد راه محاصره شهرها از طریق دهات را در پیش گیرد برای کسانی که میخواهند راه قهرآمیز انقلاب را در پیش گیرند، آموزنده نیست؟

تجربه سازمان ما اینست که هرچه از کمان از گذشته جنبش کارگری و کمونیستی ایران عمیق تر شده است، بهمان اندازه بینش روشنتری نسبت به اوضاع حال و امر چگونگی ایجاد حزب کمونیست پیدا کرده است. پافشاری سازمان روی مطالعه گذشته و جمع بندی تجارب گذشته نیز بدان علت است که در تجربه خود در مبارزه علیه نظرات نادرست در باره مسائل حزب، دریافته ایم که منشاء اختلاف نظرهای کنونی را میزان زیادی چگونگی برخورد به جنبش کارگری و کمونیستی گذشته تشکیل میدهد. ما برای روشن مطلب مختصراً تجربه سازمان را در این زمینه میاوریم:

در جنبش چپ که در حال رشد و توسعه است نظرات پراکنده گوناگونی در باره گذشته جنبش کارگری و کمونیستی در باره اهمیت ایجاد حزب کمونیست و راه ایجاد آن موجود است. ما به سه نظریه اساسی که در زمانهای مختلف در سازمان ما موجود بوده و بر سر آن مبارزه حاد داخلی شده است و بالاخره مورد انتقاد و طرد قرار گرفته اند ولی هنوز در جنبش به درجات مختلف موجودند و ریشه کن نشده اند، برخورد میکنیم.

نظریه نادرست اول: این نظریه اساساً در پی احیای حزب توده است و از اعتقاد به اینکه حزب توده ایران در گذشته واقعاً یک حزب انقلابی و پیش قراول بوده است ناشی میشود. در نتیجه دارندگان این نظریه ادعا میکنند که بدون انتقاد و طرد رفرمیسم و اپورتونیزم تاریخی حزب توده ایران و مرزبندی دقیق از لحاظ ایده نولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی و سبک کار با آن میتوان حزب طبقه کارگر را احیا کرد.

دارندگان این نظریه اخیراً باز با شیوه "از در عقب وارد شدن" همیشگی خود بنظر میرسد تدریجاً در بعضی از نظرات خود تغییری بوجود آورده اند. دیگر مثل گذشته درباره احیای حزب توده ایران آنهم از طریق ایجاد یک رهبری جدید برای آن صحبتی نمیشود و این روزها بطور سرپوشیده ای از بوجود آوردن حزب طبقه کارگر صحبت میکنند.

ولی در حقیقت آنها هنوز در اساسی ترین مسئله کنونی در مورد ایجاد حزب یعنی امر ایجاد پایه توده ای و وحدت اصولی مارکسیست - لنینیستها بر خوردی نادرست دارند، میخواهند در خارج از کشور حزب را علم کنند و خود را سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران بنامند.

ما بکرات در نوشته های مختلف این نظرات نادرست را مورد انتقاد قرار داده ایم و نوشته حاضر باز هم در خدمت این امر قرار دارد. با توجه به تغییرات ضروری ای که این افراد در فرموله کردن نظرات خود بوجود آورده اند، در شرایط کنونی میتوان سه نکته اساسی نادرست را ترسیم کرد که ماهیتاً همان نظرات گذشته ایشان را تشکیل میدهند:

1 - برای ایجاد حزب کمونیست انتقاد و طرد رفرمیسم و اپورتونیزم تاریخی حزب توده ایران ضروری نیست. در نتیجه نتیجه جمعبندی از گذشته جنبش کارگران ایران هم ضرورتی ندارد.

2 - وحدت مارکسیست - لنینیستها برای ایجاد حزب ضروری نیست. گروه آنها میتواند خود را حزب اعلام کند بعد هرکسی خواست میتواند به آنها بپیوندد.

3 - پیوند مارکسیست - لنینیستها با توده ها قبل از ایجاد حزب ضروری نیست و حتی مسئله داخل کشور و خارج کشور بودن هم نقشی ندارد.

هسته این نظریه را همان ایده نولوژی فرمالیستی حزب توده ایران تشکیل میدهد. طبق این نظریه "اسم و رسم" و "تشکیلات" همه چیز است و سیاست و ایده نولوژیک هیچ چیز. از مسئله حزب، اسکلت تشکیلاتی آنرا می بیند و به امر تدارک ایده نولوژیک و سیاسی برای ایجاد حزب توجه نمیکند. و آنرا در درجه اول قرار نمیدهد. تسلط طولانی ایده نولوژی حزب توده ایران را که باعث انحرافات فکری و سیاسی بزرگی در جنبش شده است در نظر نمیگیرد و علاوه بر این از دیدن این واقعیت که در شرایط کنونی در ایران هسته ها، گروه ها و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی موجودند و باید برای وحدت آنها کوشش و مبارزه کرد سر باز میزنند. دارندگان این نظریه اخیراً شیوه ایجاد حزب در بعضی کشورهای اروپای غربی را الگو قرار داده در نظر دارند آنرا در جنبش مارکسیستی- لنینیستی ایران پیاده کنند. ما شرایط ویژه بعضی جنبشهای مارکسیستی- لنینیستی اروپا را بطور دقیق نمیدانیم ولی آنچه که میدانیم و روشن است اینست که اولاً این احزاب در میان توده های کشور خود قرار دارند و هسته رهبری آنها همیشه در داخل و در میان مردم خود بوده است. ثانیاً در پراستیک چند ساله خود به یک جکعبندی در خطوط کلی از گذشته جنبش کمونیستی کشور خود رسیده اند و بویژه انتقاد و طرد احزاب رویزیونیستی را که قبلاً مارکسیستی- لنینیستی بودند (برعکس حزب توده ایران که مارکسیستی- لنینیستی نبود) نسبتاً پیش برده اند و بدین ترتیب اساس ایده نولوژی تشکیل حزب را بنا کرده اند. در حالیکه در کشور ما اوضاع طور دیگر است: اولاً آنهائیکه ادعا می کنند هم اکنون میشود تابلوی حزب را بالا برد برای مدتی بسیار طولانی در خارج کشور بوده و سازماندهیشان اگر فرض کنیم بر اساس نرمهای مارکسیستی- لنینیستی صورت گرفته باشد در بین روشنفکران خارج کشور شکل گرفته است. در عین حال دارندگان این نظریه با لجاجت و دشمنی کوشیده اند از رشد جنبش افشا و طرد رفرمیسم و

اپورتونیسیم حزب توده ایران تا حد ممکن جلو گیرند و جنبش چپ را از شناخت عمیق یافتن از گذشته و درس گرفتن از تجارب منفی و مثبت آن دور سازند.

ما بارها گفته ایم حزب کمونیست ایران باید در درجه اول از لحاظ ایده نولوژیک و سیاسی ایجاد کرد و پیش شرط اعلام آنرا سازماندهی در داخل، در میان توده ها قرار داده ایم. حزب کمونیستی که در خارج کشور باشد هیچ درد نمیخورد چه بسا جنبش را هم منحرف میسازد.

سنگ اعلام حزب را در "اسرع وقت" آنها در خارج به سینه زدن چیزی جز عوامفریبی و در آخرین تحلیل کوشش عبث برای غصب رهبری جنبش نوین کمونیستی ایران و انحراف مجدد آن در شرایط تاریخی کنونی نیست.

نظریه نادرست دوم: این نظریه برعکس نظریه اولی، و از جانب دیگر در مسئله ایجاد حزب دچار ذهنی گری شده، کلیه مبارزات گذشته طبقه کارگر ایران و واقعیات تاریخی را نفی میکند. این نظریه اعلام میکند که در شرایط کنونی در ایران تنها گروه و سازمان مارکسیستی-لنینیستی موجود نیست بلکه حتی عنصر آگاه، هم وجود ندارد. این نظریه راه ایجاد حزب را در این می بیند که به اصطلاح روشنفکرانی که مارکسیسم-لنینیسم را فرا گرفته اند بمرکز کارگر روند، در مبارزات اقتصادی و سندیکائی آن شرکت کنند. از تلفیق مارکسیسم-لنینیسم با جنبش کارگری، محافل پرولتاری ب وجود می آیند که با یکدیگر مبارزه ایده نولوژیک می پردازند. از درون این مبارزه ایده نولوژیک است که بالاخره هسته پیشرو بیرون آمده، "خود را بر جنبش تحمیل میکند" و حزب را اعلام میدارد. این نظریه معتقد است که اکنون جنبش کمونیستی ایران بطور عینی در "مرحله پراکندگی و محفلی است" هیچ سازمان متشکل مارکسیستی-لنینیستی براساس سنترالیزم دموکراتیک نمیتواند وجود داشته باشد.

این نظریه با اینکه به هیچوجه نتوانست تبدیل به نیروی مادی در جنبش شود و هم اکنون خطری را تشکیل نمیدهد ولی از یک لحاظ باعث ضرر شد و آن ایجاد پایه تئوریک برای رشد جریان احلال طلبی بود. با اینکه انحلال طلبان دارای یک مکشی و خط نبودند ولی بهر حال این نظریه توانست به شکل گیری افکار انحلال طلبی کمک نماید. واقعیات مبارزات طبقاتی، نادرست بودن این نظریه را ثابت کرد و ما دیگر در این باره صحبتی نمیکنیم.

نظریه نادرست سوم: این نظریه از بینش کم بها دادن به حزب مارکسیستی-لنینیستی و نقش آن در رهبری انقلاب ناشی میشود. در نتیجه ایجاد حزب را نه بعنوان وظیفه مرکزی بلکه بعنوان وظیفه درجه دوم آنرا تلقی کرده و آنرا مربوط به آینده ای دور میدانند. این نظریه ایجاد هسته های حزبی را از طریق کار مخفی، پرحوصله و طولانی در بین توده ها نمیداند بلکه تأکید را روی ایجاد هسته حزبی از طریق نیروی مسلح پارتیزانی میگذارد. بطور خلاصه این نظریه به امر ایجاد نیروی مسلح بیشتر از امر ایجاد حزب توجّه دارد و نقش حزب را کمتر از نقش نبردی پارتیزانی نیداند. این نظریه به نقش کار سیاسی و توده ای کمونیستها کم بها داده، در عین شدن و یکی شدن با توده ها سرباز زده و جدا از توده ها عمل میکند. ریشه ایده نولوژیک این نظریه را عدم اعتماد عمیق به توده ها، روحیه قهرمان بازی خرده بورژوائی و شتابزدگی روشنفکری را تشکیل میدهد.

سازمان ما طی چندین سال مبارزه شدید علیه نظریه بالا چه هنگامیکه این نظرات در داخل سازمان بودند و چه هنگامیکه در بیرون سازمان طرفدارانی یافتند، توانسته است به مواضع کنونی خود برسد. سازمان در این جریان تجارب مثبت و منفی زیادی بدست آورده است که بی شک در پیشبرد امر ایجاد حزب کمونیست میتواند مفید باشد. تجربه ما در زمینه مبارزه با این نظرات چیست؟ سازمان ما در مورد ایجاد حزب چه میگوید؟ ما کوشش میکنیم به این دو سؤال مختصراً جواب گوئیم.

سازمان ما در مرداد 47 (اوت 68) پس از پشت سر گذاشتن مبارزه حاد درونی و بیرونی با سه نظریه نادرست فوق تجربه خود را چنین جمع بندی میکند:

طبقه کارگر ایران انقلابی ترین طبقه جامعه ما را تشکیل میدهد. نیم قرن از زمانی میگذرد که این طبقه پیشقراول کمونیستی خود را بوجود آورد و تحت پرچم سرخ انقلابی آن به انقلاب ایران سیمای جدیدی داد. حزب کمونیست ایران بعنوان ادامه دهنده ی جنبش سوسیال دموکرات ایران در سال 1299 تأسیس یافت و با قهرمانی بینظیری بحق در رأس مبارزات انقلابی طبقه کارگر و توده های خلق قرار گرفت. این حزب در اثر عدم شناخت راه انقلاب موفق نشد مرکز ثقل خود را به روستا منتقل سازد، به دهقانان اتکا کرده و مبارزات انقلابی آنها را رهبری نماید. در نتیجه حزب در عرصه مبارزات شهری زیر فشار و سرکوب فاشیستی حکومت رضا شاهی در هم شکسته شد و نیروهای عمده خود را از دست داد ولی سنن انقلابی این حزب از میان نرفت. حزب کمونیست به انقلاب ایران مهر و نشان خود را بطور جاودانه ای زده است. انقلابیون ایران مبارزه خود را تحت شرایط بسیار دشوار ادامه دادند..... حزب

توده ایران... با یک برنامه و مرامنامه رفرمیستی در سال 1320 تأسیس یافت. با وجود مبارزات کمونیستها در درون آن، حزب توده ایران موفق نشد در پروسه رشد خود بمعیار های حزب لنینی حزب طبقه کارگر برسد....

در ارزیابی از جنبش پرولتری ایران در دوره فعالیت حزب توده باید در نظر گرفت که تحت عنوان این حزب افشار وسیعی از زحمتکشان و روشنفکران میهن ما در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم بسیج شدند و صفحات درخشانی از خود باقی گذاشتند. در اثر اشاعه ی مارکسیسم- لنینیسم و مبارزه وسیع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، عناصر آگاه و مبارزین مارکسیست- لنینیست آشکار شد. آنان بار سنگین مبارزه را بدوش کشیدند. بخش مهمی از آنها در این راه شهید شدند. بخش دیگری در زیر فشار وحشیانه رژیم در زندانها به مبارزه ادامه میدهند.

پروسه مبارزه این عناصر با رهبری، در زمان فعالیت متشکل حزب به نتیجه نهائی خود، نمیرسد. بعد از شکست حزب و آشکار شدن اشتباهات و مواضع رهبری، مبارزه بین عناصر و هسته های پرولتری حزب با رهبری اپورتونیستی و غیر پرولتری تشدید مییابد و زمانیکه برای آنه روشن میشود که رهبری غیر قابل علاج است و مبارزه از داخل حزب نتیجه ندارد به بریدن از کمیته مرکزی و فعالیت زیر زمینی میپردازند. این پروسه چه در داخل و چه در خارج کشور انجام میگیرد. در داخل هسته ها و گروه ها... به فعالیت زیرزمینی خود ادامه میدهند و هم اکنون شواهد حاکی است که علی رغم تلاش ارتجاع، به تئوری پیشرفته مارکسیسم- لنینیسم- اندیشه مائوتسه دون در راه انقلاب ایران دست مییابند.

در خارج تحت شرایط نسبی مساعد، سازمانهای حزبی موفق میشوند در سازمان واحدی متشکل شوند و سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج کشور را بوجود آورند....

اکنون در جریان سازماندهی عظیمی که در سراسر جهان در جریان است، مارکسیست- لنینیستهای ایران نیز بطرف ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر در حرکتند. با افشای بیش از پیش رویونیسم معاصر، "کمیته مرکزی" و تزه های ضد انقلابی آنها با رشد مارکسیسم- لنینیسم به مرحله اندیشه مائوتیه دون و اثیر عظیم آن بروی جنبش پرولتری در سراسر جهان و ایران، آینده درخشانی در پیش مارکسیست- لنینیستهای ایران قرار دارد. در اثر مبارزه کمونیستها در 60 سال گذشته ایده های سوسیالیسم علمی و مارکسیستی- لنینیستی بویژه در میان بخش وسیعی از روشنفکران، بخشی از کارگران و حتی دهقانان نفوذ و اعتبار و اشاعه قابل توجهی دارد. این امر زمینه مساعدی را برای حزب سازی تشکیل میدهد که با شرایط جامعه ایکه برای اولین بار ایده های مارکسیستی در آن راه مییابد و طبقه کارگر آن هنوز پیشقراول کمونیستی خود را بیرون نداده است فرق اساسی دارد.

سازمان ما در همین زمان بطور قاطع با سه نظریه نادرست مطروحه در بالا مرزبندی دقیق کرد و مواضع سازمان را در مورد اینکه چگونه حزبی میخواهیم و چگونه باید آنرا بوجود آوریم روشن ساخت.(1)

از آن زمان تا بحال جریان مبارزات انقلابی در داخل و خارج از کشور ما را بیشتر مورد تربیت قرار داده و ما قادر شده ایم درک خودمان را در رابطه امر چگونگی ایجاد حزب بالا ببریم. هم اکنون بطور حتم میتوان گفت در داخل هسته ها، گروه های مارکسیستی- لنینیستی که به مارکسیسم- لنینیسم- اندیشه مائوتسه دون دست یافته اند و آنرا راهنمای خود قرار داده اند، موجودند و در حال رشد و توسعه هستند. در خارج جنبش مارکسیستی- لنینیستی در مبارزه علیه نظرات نادرست توسعه یافته، رفرمیسم و رویونیسم حزب توده ایران عمیقتر مورد انتقاد قرار گرفته، ایده نولوژی فعالیت جدا از توده های کارگر و دهقان که در میان روشنفکران زیاد است، انتقاد شده و مارکسیسم- لنینیسم- اندیشه مائوتسه دون در میان روشنفکران خارج نفوذ بیشتری کرده است. سیر جریانات همگی حاکی از این است که اوضاع باز هم بسود امر ایجاد حزب کمونیست در حال رشد است. دیگر هیچ نیروئی قادر نیست از اشاعه مارکسیسم- لنینیسم- اندیشه مائوتسه دون در میان توده ها، از انتقاد و طرد رفرمیسم و رویونیسم حزب توده ایران، از بکاربرد مارکسیسم- لنینیسم- اندیشه مائوتسه دون برای شناخت جامعه ایران و برای تغییر آن در خدمت انقلاب جلوگیری کند. مارکسیست- لنینیستها و همه انقلابیون که میخواهند صادقانه به توده های خلق بویژه زحمتکشان خدمت کنند باید این زمان و شرایط مساعد را دریابند با شرکت در جنبشهای توده ای و کوشش برای وحدت مارکسیست- لنینیستها امر ایجاد حزب کمونیست را تسهیل نمایند. هیچ افتخاری بالا تر از مبرزه در راه ایجاد حزب کمونیست و تدارک برای آن در حال حاضر نمیتواند موجود باشد.

مادر زیر سیاست خود را در زمینه ایجاد حزب کمونیست و تدارک بر آن میاوریم. هدف ما از تشریح این نظرات بوجود آوردن یک محیط گرم سیاسی مشورتی در میان مارکسیست- لنینیستها برای چاره جوئی در امر وحدت مارکسیست- لنینیستها و چگونگی ایجاد حزب کمونیست است. همانطوریکه قبلاً هم تأکید کردیم از آنجا که درک ما از مارکسیسم - لنینیسم- اندیشه مائوتسه دون، از تاریخ

گذشته جنبش کارگری و تجارب غنی آن و از همه مهم تر اوضاع مشخص کنونی مبارزه طبقاتی و جنبش مارکسیستی- لنینیستی پائین است، مطمئناً کمبودهای زیادی در طرح ما خواهد بود. امیدواریم که رفقای مبارز بما کمک نمایند و ما را هر جا اشتباه کرده ایم تصحیح کنند. تنها با کمک متقابل و برخورد صحیح مارکسیستی- لنینیستی است که مارکسیست- لنینیستهای واقعی قادرند وحدت فشرده ای بوجود آورند و با سمتگیری صحیح طبق نقشه برای ایجاد حزب کمونیست فعالیت نمایند.

سیاست ما برای ایجاد حزب کمونیست و تدارک برای آن ناشی از شرایط مشخص کنونی و تاریخ گذشته جنبش کمونیستی و کارگری است و به نظر ما همانطوریکه در بالا یادآور شدیم تنها در این چارچوب است که قادریم راه و سیاست صحیحی را در پیش گیریم :

1 - مارکسیست- لنینیستها باید خود را به طوفان مبارزات توده‌های کنونی بیاندازند. مارکسیست- لنینیستها و دیگر نیروهای انقلابی، هر روز بیشتر و بیشتر به امر حرکت از سطح توده ها، پیوند عمیق یافتن با آنها، پی میبرند. مارکسیست- لنینیستها هر روز با سمتگیری صحیح در جهت نفوذ و مبارزه در روستا، بامر شرکت در جنبشهای توده ای توجه کرده و میکوشند خود را به جریان مبارزه توده ای بی اندازند. واقعیات زنده کنونی حاکی از اینست که مبارزه بخاطر بهبود وضع زندگی کارگران و دهقانان، مبارزه بخاطر دموکراسی و مبارزه برای قطع کردن نفوذ قدرتهای امپریالیستی و انحصارات خارجی در حال رشد و توسعه است. مارکسیست- لنینیستها باید با تحلیل از اوضاع مشخص در این زمینه ها فعالیت خود را بسط و توسعه داده و به امر بسیج و تشکل توده ها بپردازند. با توجه به شرکت در جنبشهای توده ای کنونی است که مارکسیست- لنینیستها قادر میشوند تدریجاً پیوند توده ای بوجود آورند و جنبش انقلابی میهن ما را به جلو سوق دهند و بدینترتیب شرایط را برای ایجاد و رشد حزب کمونیست فراهم آورند. بدون شرکت در مبارزه توده‌های کادرهای زنده کمونیستی که باید استخوانبندی حزب کمونیست ایران را تشکیل دهند نمیتوان تربیت کرد. رفیق مائو تسه دون پنج معیار اساسی برای کادرهای انقلابی میگذارد :

- مارکسیست- لنینیستهای واقعی باشند، نه اینکه رویونیستهایی چون خروشچف که قباای مارکسیسم- لنینیسم برتن کرده است.
 - انقلابیونی باشند که یک دل و یک جان به اکثریت قاطع خلق... خدمت کنند.
 - آنها باید سیاستمداران پرولتاریائی باشند که بتوانند با اکثریت قاطع خلق وحدت یابند و کارکنند....
 - آنها باید در عملی ساختن مرکزیت دموکراتیک در حزب سرمشق باشند، شیوه رهبری مبنی بر اصل "از توده ها به توده ها" را فرا گیرند. سبک کار دموکراتیک را بوجود آورند و بتوانند به ندای توده ها گوش فرادهند.
 - آنها باید فروتن و مآل اندیش باشند و از خود پسندی و تند خوئی بپرهیزند. سرشار از رویه انتقاد و انتقاد از خود باشند و جسارت داشته باشند و جسارت داشته باشند نواقص و اشتباهات خود را تصحیح کنند...
- چگونه میتوان به این معیارها دست یافت و چگونه میتوان چنین کادرهایی را برای حزب کمونیستی که میخواهیم ایجاد کنیم تربیت کرد؟ رفیق مائو تسه دون ما را راهنمایی میکند و تجربه طولانی خود را در امر تربیت کادر کمونیستی اینطور بیان میکند :

(1) برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به نوشته سازمان تحت عنوان "پیروزیاد راه محاصره شهرها از طریق دهات" بخش حزبی انقلابی باتوجه به شرایط کمونیستی ایران بسازیم. صفحه 13

"ادامه دهندگان امر انقلاب پرولتری در جریان مبارزه توده ای پا به عرصه میگذارند و در توفانهای انقلاب رشد نموده و آبدیده میشوند "ما مارکسیستها باید با جهان روبرو شویم و خود را بمیان توفانها بیفکنیم، این جهان کبیر مبارزه توده ایست این توفان عظیم مبارزه توده ایست".

رهبری حزب توده و تمام رویونیستها مانند مرتجعین از توده ها جدا هستند و بهمین دلیل سرنوشتی جز شکست ندارند. مارکسیست- لنینیستهای واقعی ایرانی که صادقانه تصمیم گرفته اند به خلقهای ایران و جهان خدمت کنند باید عمیقاً این اصل اساسی را درک نمایند که جدا از توده ها، کمونیست نمیتوان ساخت و به هیچوجه کادر کمونیستی نمیتوان تربیت کرد.

بنابراین، اساسی ترین کار ایده نولوژیک در میان هسته ها، گروه ها و سازمانهای مارکسیستی- لنینیستی، روشن ساختن این مسئله حیاتی است که این مبارزه طبقاتی کارگران و دهقانان است که موتور تغییر در جامعه ماست و محمل اساسی برای پیشبرد امر انقلاب و فعالیت جدا از این جریان ودر حاشیه آن برای ایجاد حزب کمونیست مطمئناً ثمره زیادی ببار نخواهد آورد. در عین حال شرکت در جنبشهای توده ای، خود همان پروسه بردن مارکسیسم- لنینیسم- اندیشه مائوتسه دون بمیان توده ها و تلفیق آن با شرایط مشخص است.

2 - باید به کار ایده نولوژیک وسیع برای ایجاد شرایط دموکراتیک در جنبش مارکسیستی- لنینیستی، برای بالا بردن روحیه انقلابی کمک متقابل بیکدیگر دست زد.

باید ایده نولوژی تأکید روی نکات مشترک و جستجوی نکات مشترک، توجه به مسائل عمده و واگذاری حل مسائل غیر عمده مورد اختلاف به آینده را تبلیغ کرد و در عمل در این زمینه پیش گام شد.

باید شدیداً با ایده نولوژی گروهی گری، و رقابت نا سالم که مرض کنونی جنبش چپ است و بی شک از ایده نولوژی منافع گروهی گری و نه منافع خلق خلق سرچشمه میگیرد، مبارزه کرد و در عمل در این زمینه پیش گام شد.

ما باید رفقای خود را چنان تربیت کنیم که امر وحدت مارکسیست-لنینیستها، طبقه کارگر، خلقهای ایران چون مردمک چشم عزیز بشمرند و در راه ایجاد آن بکوشند. رفقای ما و سازمان ما باید نکات مثبت مارکسیست-لنینیستها و انقلابیون دیگر را ببینند و بیشتر به کمبودهای خود توجه نمایند.

سازمان ما عمیقاً اعتقاد دارد که تنها با یک کار ایده نولوژیک عمیق و پیگیر و وسیعی در این زمینه در جنبش چپ است که میتوان محیط گرم سیاسی برای پیشبرد امر وحدت مارکسیست-لنینیستها بوجود آورد.

3 – با بکار برد موضع، نقطه نظر و اسلوب مارکسیستی-لنینیستی، با پا فشاری بروی راه قهرآمیز انقلاب، جنبش انتقاد از رفرمیسم و اپورتونیسیم تاریخی حزب توده ایران را عمیق تر وسیع تر نمائیم. با جمع بندی از تجارب مثبت و منفی گذشته جنبش کارگری، با انتقاد و طرد رویزیونیسم معاصر، از لحاظ ایده نولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و سبک کار مرزبندی دقیق با حزب توده ایران نمائیم. بدون انتقاد عمیق و وسیع از رفرمیسم و اپورتونیسیم حزب توده ایران، بدون قطع همه جانبه از آن، نمیتوان زمینه را برای ساختمان حزب کمونیست واقعی بوجود آورد.

4 – در عین حالیکه گرایش عمده نادرست ضد مارکسیستی را در جنبش ما رفرمیسم و رویزیونیسم حزب توده ایران تشکیل میدهد، ولی باید به یک گرایش ایده نولوژیک نادرست دیگر که به مسئله تشکیل حزب کم بها میدهد توجه جدی نمود. این ایده نولوژی همان ایده نولوژی دست زدن به مبارزه مسلحانه جدا از توده هاست. باید این مسئله را درک کرد که **"جنگ انقلابی" جنگ توده هاست و تنها با بسیج توده ها و اتکا به آنهاست که میتوان به یک چنین جنگی دست زد.** (مانوتسه دون)

باید در جنبش چپ که دارای روحیه رزمنده و شور انقلابی است دست بکار ایده نولوژیک عمیق در باره نقش توده ها، بینش توده ای زد، تا این انقلابیون با سمت گیری صحیح سیاسی، به میان توده های کارگر و دهقان روند و در میان آنها، جهان بینی خود را نو سازی کنند. مارکسیست-لنینیسته باید بر اساس اصول با این نیروی انقلابی متحد شده و آنها را به شرکت در تدارک برای ایجاد حزب کمونیست دعوت نمایند. جلب این نیرو به جنبش مارکسیستی-لنینیستی در تسهیل تشکیل حزب کمونیست نقشی بازی میکند و برخورد سکتاریستی به این نیرو نادرست میباشد.

اینست چهار نکته ایکه اساس سیاست کنونی ما را برای ایجاد حزب کمونیست تشکیل میدهد. بی شک مسائل اساسی دیگری از آن جمله تدارک تشکیلاتی، در این زمینه موجود است.

ما اعتقاد داریم که در جریان این مبارزه و تدارک ایده نولوژیک و سیاسی تدریجاً **محمل** های وحدت تشکیلاتی هم بوجود میاید. بخوبی آگاهیم که امر وحدت تشکیلاتی و یکی شدن جنبش مارکسیستی-لنینیستی امر مهمی است. این مبارزه ایده نولوژیک و کار تدارکی تنها با یک هدف میتواند صورت گیرد و آنهم رسیدن به وحدت تشکیلاتی و یکی شدن مارکسیست-لنینیستها است.

روشن است که این امر بر اثر شرایط خفقان و پلیسی ایران باید تدریجاً و با مطالعه دقیق با توجه به امر مخفی کاری شدید صورت گیرد.

خلاصه کنیم: اوضاع در مبین ما برای انقلاب کردن در حال رشد است، شرایط برای ایجاد حزب کمونیست هر روز بیشتر میشود، باید با توجه به این اوضاع، بر اساس شرایط مشخص جامعه ما و تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران، با دامن زدن و عمیق کردن جنبش انتقاد و طرد رفرمیسم و رویزیونیسم حزب توده ایران، با انتقاد از ایده نولوژی ایجاد نیروی مسلح جدا از توده ها، با توجه جدی به امر تحقیق و بررسی جامعه ایران بویژه امر تجزیه و تحلیل طبقاتی بطور همه جانبه کوشید جنبش مارکسیستی-لنینیستی کنونی را متحد ساخته و با جنبش توده ای پیوند دار و پایه توده ای حد اقلی را برای ایجاد حزب کمونیست بوجود آورد.

آینده تابناک است و راه پر پیچ و خم، از سختی ها و مرگ نهراسیم خود را به جنبش توده ای، جنبشی که هر روز در حال توسعه است بیفکنیم و در قلب توده ها حزب کمونیست، این نا خدای کشتی بزرگ انقلاب ایران را بر پاداریم.

از مارکسیست – لنینیستهای دیگر بیاموزیم

به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان
پیش به سوی پیوند با جنبشهای توده ای
پیش به سوی وحدت اصولی مارکسیست – لنینیستها
پیش به سوی ایجاد حزب کمونیست ایران
زیر پرچم مارکسیسم – لنینیسم – اندیشه مائو تسه دون به
پیش

"طبقه کارگر در مبارزه خود علیه قدرت متحده طبقات مالک تنها هنگامی
میتواند بعنوان یک طبقه فعالیت کند که حزب سیاسی خاصی که در مقابل کلیه
احزاب کهنه متشکله توسط طبقات مالک قرار دارد تشکیل دهد".

کارل مارکس

"برای انقلاب کردن به حزبی انقلابی احتیاج است. بدون یک حزب انقلابی،
بدون حزب انقلابی ایکه بر اساس تئوری انقلابی مارکسیسم – لنینیسم و به
سبک انقلابی مارکسیستی – لنینیستی پایه گذاری شده باشد، نمیتوان طبقه
کارگر و توده های وسیع مردم را برای غلبه بر امپریالیسم و سگ های
زنجیریش رهبری کرد".

"یک حزب سیاسی برای اینکه بتواند انقلاب را به پیروزی رهبری کند، باید به
درستی خط مشی سیاسی و استحکام تشکیلات خود، اتکا کند".

مائو تسه دون

